

RS

مرگ بی طرفی میانجی گران جنگ‌ها

در ماه‌های اخیر، مقامات اسرائیلی مرتباً حماس را با داعش مقایسه می‌کنند. این مقایسه مزایای آشکاری برای اسرائیل دارد که امیدوار است با مقایسه دشمن خود با گروهی که به‌طور گسترده‌ای بزرگترین دشمن اوایل قرن بیست‌ویکم دیده می‌شد، سمیاتی جهانی را جلب کند. اما این سوال هم پیش می‌آید که اگر حماس به‌اندازه دولت اسلامی بود است پس چرا رهبران آن همچنان می‌توانند در چندین کشور عربی پناه بگیرند؟ در مورد قطر، کشوری که رهبران سیاسی حماس از سال ۲۰۱۲ در آن مستقر شده‌اند، پاسخ آن عملی است. اسرائیل به یک میانجی گر قابل اعتماد نیاز دارد تا بتواند برای بازگرداندن گروهان‌های در دست حماس به توافق برسد. دوحه تاکنون با تسهیل مذاکرات که منجر به آزادی ۱۰۵ گروهان در طول یک هفته آتش‌بس در ماه نوامبر شد، ارزش خود را نشان داده است. اما این توافق تاریخ انقضایی دارد. مقامات امنیتی اسرائیل تهدید کرده‌اند رهبران حماس را هر کجا که باشند خواهند کشت، حتی اگر مجبور باشند در خاک قطر این کار را انجام دهند. صدهای میانه‌روتر اسرائیل استدلال می‌کنند که توافق دوحه با حماس نمی‌تواند پایدار باشد. یول گزائسکی، یکی از مقامات پیشین امنیتی اسرائیل اخیراً در فارن افرز می‌نویسد: «آمریکا و اسرائیل برای استفاده از قدرت نفوذ خود با حماس همچنان نیاز دارند به دوحه تکیه کنند تا دستاوردهای اساسی را کسب کنند؛ حتی اگر قطر باید در نهایت روابط خود را با این سازمان قطع کند.» چنانچه جنگ در غزه و اوکراین در حال اوج گرفتن است، کشورهای بی طرف تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفتند تا برای یک طرف موضع گیری کنند. سوئیس که زمانی نمونه بارز داور بین‌المللی به‌شمار می‌رفت، به کمپین اعمال تحریم‌ها علیه کرملین پیوست و حتی آسمان خود را به‌روی هواپیماهای روسی بست. فنلاند به ائتلاف ناتو پیوست و سوئد هم تابستان امسال می‌تواند به‌عضویت درآید. قطر که مدت‌هاست به‌عنوان میانجی گر ایده‌آل بین اسرائیل و حماس دیده می‌شود، ممکن است به‌زودی مجبور شود بی‌پشتیبان آمریکایی خود و شبه‌نظامیان فلسطینی انتخاب کند. این موضوع تاحدی طبیعی است. وقتی صحبت از بی طرفی می‌شود، جنگ جایی است که اصطلاحاً لاستیک به جاده می‌خورد. جنگ‌طلبان تقریباً همیشه به درگیری‌های خود به‌عنوان خیر واقعی در مقابل شر کامل نگاه می‌کنند. پاسکال لوتاز، استاد دانشگاه کیوتو و کارشناس بی طرفی می‌گوید: «بر اساس تئوری صرف جنگ، بی طرفی امکان‌ناپذیر است. هر زمانی که خیر یا شر می‌جنگد، مبارزه نکردن یا شر برابر شر بودن است.» با این حال کشورهایایی که در جنگ مبارزه می‌کنند بیشتر وقت‌ها به کشورهای بی طرف به‌عنوان میانجی گر روی آورده‌اند، به‌ویژه زمانی که نیروی نظامی شانسان موفقیت‌های محدودی دارند. پس اگر بی طرف‌ها ناپدید شوند چه اتفاقی می‌افتد؟ قطر خیلی اتفاقی به کشور بی طرف تبدیل شد. این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس تا اواسط دهه ۹۰ میلادی کشوری وابسته به عربستان سعودی دیده می‌شد؛ زمانی که برنامه جاه‌طلبانه‌ای برای محافظت از امنیت خود راه‌اندازی کرد تا روابط دوستانه‌ای تقریباً با هر کشور دیگری در منطقه غیرقابل کنترل برقرار کند. چند سال پس از گذشت این پروژه، دوحه فهمید که حالا مزیت رقابتی چشمگیری دارد. مهران کامروا، استاد دانشگاه جورج تاون قطر می‌نویسد: «به آنها (قطری‌ها) اجازه داد تا از نظر استراتژیکی در جایگاهی قرار بگیرند که کاتالی میان بازیگرانی برقرار کنند که در هیچ‌صورت دیگری با یکدیگر صحبت نمی‌کنند.» دوحه تا اواخر سال‌های ۲۰۰۰ در چندین مذاکرات اصلی صلح در جاد، سودان و یمن میانجی‌گری کرده بود. به‌رغم بحران‌هایی در جریان بهار عربی و بعدها مشاجرات با همسایگان حاشیه خلیج فارس، شهرت قطر به بی طرفی باقی ماند. دیپلمات‌های قطری مذاکرات جنجالی را بین آمریکا و دشمنان تندش برگزار کرده و حتی به آزادی کودکان اوکراینی در اسارت روسیه کمک کرده است. البته دوحه از لحاظ سنتی بی طرف نیست. به گفته لوتاز برای کشورهای مثل سوئیس و استرالیا، بی طرفی تعهد رسمی به بیرون ماندن از جنگ است که به آنها اجازه می‌دهد امنیت خود را بدون ورود به جنگ حفظ کنند. این امر منفعلانه است؛ اگر با من کاری نداشته باشید، من هم کاری با شما ندارم. نسخه بی طرفی قطر غیررسمی و بیشتر جاه‌طلبانه است. همانند بی طرف‌های سنتی، هدف اولیه دوحه دور ماندن از خطر در منطقه‌ای مستعد درگیری است. اما موضوع مهم و دوم، افزایش پروفایل قطر به‌عنوان کشوری کوچک است که در درگیری‌های ژئوپلیتیکی بزرگ با حفظ استقلال خود نفوذ پیدا می‌کند. این موضوع توضیح می‌دهد که چرا مقامات عالی‌رتبه قطر اغلب به‌طور مستقیم در میانجی‌گری شرکت می‌کنند.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

بین‌الملل

INTERNATIONAL

هر سال در ۳۱ دسامبر گوشه‌ای از جهان دست‌نیافتنی نمایان می‌شود. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در تلویزیون ملی به مناسبت سال نو سخنرانی می‌کند. کاربران اینترنتی چین با دقت این ویدئو را تماشا می‌کنند. این تنها زمانی است که آنها رهبر کشور خود را پشت آنچه ظاهر‌آمیز کارش است، می‌بینند. آنها تحلیل‌های خود را پشت آنچه مجموعه عکس‌هایی که روی کتابخانه پشت سرش قرار گرفته است، رد و بدل و جملات کسل‌کننده او را تجزیه می‌کنند. شی می‌گوید: «در امتداد مسیر، با مواعی روبه‌رو هستیم.» خیلی‌ها این حرف را دست‌کم گرفتن مشکلات چین می‌دانند.

درست یک سال پیش، شی اقدامات سختگیرانه «کووید صفر» را که شامل قرنطینه‌های بسیاری بود، پس از حدوداً سه سال کنار گذاشت اما چینی‌ها تجربه‌ای که شی در سخنرانی‌اش به‌عنوان «گذار آرام» توصیف کرد را نداشتند. جمعیت واکسن‌زده چین آماده نبودند؛ طبق برخی از تخمین‌ها، هم‌زمان با بازگشت کشور به شرایط عادی (در شرایطی که خیلی‌ها به‌خصوص افراد مسن هنوز واکسن نزده بودند) بیش از یک میلیون نفر به دلیل ابتلا به بیماری کووید-۱۹ جان خود را از دست دادند (مقامات رسمی میزان مرگ و میر واقعی را اعلام نمی‌کنند). اقتصاد چین نتوانست مومنتوم خود را پیدا کند. نرخ بیکاری جوانان جهش پیدا کرد، بازار ملک سقوط کرد و سرمایه‌گذاران خارجی استرس بیشتری گرفتند.

به گزارش بلومبرگ، طبق نظرسنجی اتاق بازرگانی ژاپن از ۱۷۱۳ شرکت ژاپنی بیش از ۴۰۰ کمپانی سال گذشته سرمایه‌گذاری در چین را متوقف کرده‌اند. اکثر این شرکت‌ها چشم‌انداز مثبتی برای سال ۲۰۲۴ ندارند و تنها یک‌چهارم آنها می‌گویند انتظار دارند اقتصاد چین بهبود یابد. این گزارش داده‌های پیشین را تأیید می‌کند که شرکت‌های خارجی نسبت به اقتصاد چین که با سقوط بازار مسکن و بازگشت ضعیف به‌روال عادی پس از دوران کرونا همراه بوده، چشم‌انداز مثبتی ندارند. سرکوب‌ها و کنترل‌های دولت به آشفته‌گی‌های بازار و برخی از شرکت‌های خارج از کشور اضافه کرده است. داده‌های رسمی در اواخر سال گذشته نشان دادند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۴ سال گذشته به پایین‌ترین حد خود رسیده، حتی پس از آنکه دولت در اقدامات متعددی تلاش کرد تا شرکت‌های خارجی را فریب دهد. حدود ۴۰ درصد از کمپانی‌های صنعتی اعلام کرده‌اند سرمایه‌گذاری‌های خود را در سال گذشته متوقف کرده‌اند. به گفته یکی از مقامات اتاق بازرگانی، بیشتر آن به چالش‌های صنعت خودروسازی برمی‌گردد. کمپانی‌های خودروسازی خارجی از جمله کمپانی‌های ژاپنی به‌طور فزاینده‌ای در بازار رقابتی چین دچار مشکل شده‌اند و در گذار به خودروهایی برقی عقب‌مانده‌اند. میتسوبیشی سال گذشته اعلام کرد که بازار را ترک می‌کند.

موانع بسیاری بر سر راه دولتمردان سبز شدند. ظاهراً امسال هم با سال گذشته تفاوت چندانی ندارد. شی تلاش می‌کند تا خود را شجاع نشان دهد. او در اواسط ژانویه عده زیاد و غیر معمولی از نمایندگان را به مجمع جهانی اقتصاد، نشست سالیانه پولدارها و قدرتمندان در داووس، سوئیس، فرستاد تا با میلیونرها گپ و گفتی داشته باشند. به گفته آژانس خبری رویترز این تیم امسال با لی چیانگ، نخست‌وزیر چین به‌عنوان عالی‌ترین مقام کشور حضور پیدا می‌کنند. آخرین مقام عالی‌رتبه‌ای که در سال ۲۰۱۷ در این نشست شرکت کرد، خود شی بود. لی که شاگرد شی است، پس از اینکه به‌عنوان دبیر حزب کمونیست در شانگهای خدمت کرد، در مارس ۲۰۲۳ به نخست‌وزیری رسید. او با شیوه‌هایی که تجارت می‌کند خارجی‌ها را تحت‌تأثیر قرار داد. اما در داووس کار سخت‌تری دارد. زمانی که شی به داووس رفت، متفاوت بود. بسیاری از مقامات و شرکت‌های غربی از آمدن دونالد ترامپ به کاخ سفید (قرار بود به‌زودی قسم بخورد) و اثری که تهدید ترامپ با جنگ تجاری با چین روی رشد جهانی خواهد داشت، به لرزه افتاده بودند. آنها مجذوب تلاش‌های شی شده بودند که خود را قهرمان تجارت آزاد نشان می‌داد. حالا خیلی از آنها چین را منبعی از ریسک می‌دانند، چه اینکه به‌واسطه اقتصاد منززل کشور رقابت استراتژیک با آمریکا باشد و چه سیاست‌های ضد غربی شی باشد یا تاکید روزافزون در تمام حوزه‌ها برای نیاز به محافظت از امنیت ملی و رژیم.

مشکلات اقتصادی ۲۰۲۴

در پایتخت‌های کشورهای غربی و داخل اتاق مدیران، سال جدید با نگرانی‌هایی در رابطه با چین شروع شده است. به گزارش اکونومیست طبق تقویم عادی سیاسی، کمیته مرکزی حزب، بدنه‌ای شامل بیش از ۳۷۰ عضو از نخبگان سیاسی، نظامی و تجاری است که باید اواخر سال ۲۰۲۳ «سومین مجمع عمومی» خود را برگزار می‌کرد. در سیکل ۵ ساله نشست‌های حزب، سومین مجمع عمومی به‌خاطر تمرکز همیشگی بر اصلاحات اقتصادی توجه بسیاری را به خود جلب کرد. چنین نشست‌هایی هنوز در سیکل فعلی برگزار نشده و نگرانی‌هایی درباره عدم هماهنگی در دایره داخلی لیت جامعه بر سر راه حل‌های مشکلات اقتصادی طولانی مدت چین مثل بالا رفتن سن جمعیت، کمبود نیروی کار و میزان بالایی از بدهی وجود دارد.

مقامات ارشد توانستند کنفرانس سالیانه را در ماه دسامبر برگزار کنند تا درباره مشکلات اقتصادی کنونی بیشتر صحبت کنند اما خبری از اقدامات جدید و جسورانه‌ای برای فعال کردن رشد کشور از این نشست بیرون نیامد.

برای اقتصاد، ۲۰۲۴ هم تقریباً مثل ۲۰۲۳ پر دست‌انداز خواهد بود. از جهش مختصری که از پایان محدودیت‌های کووید و افزایش تقاضای مشتریان لذت برد، خبری نخواهد بود. رشد تولید ناخالص داخلی در سال جاری ممکن است آهسته‌تر از سال ۲۰۲۳ باشد، زمانی که احتمالاً به هدف دولت به حدود ۵ درصد (کمترین میزان در بیش از سه دهه) نزدیک بود. بانک جهانی پیش‌بینی می‌کند اقتصاد چین در سال ۲۰۲۴، ۴/۵ درصد و در سال ۲۰۲۵، ۴/۳ درصد رشد خواهد کرد. به گفته بانک جهانی «شکندگی مداوم» در احیای چین وجود خواهد داشت. اکثر اقتصاددانان با این نظر موافق‌اند.

در ماه مارس برخی از سرخ‌ها خبر از استراتژی اقتصادی دولت در نشست سالانه قوانین بی‌اثر چین، کنگره ملی خلق (نهاد ملی قانونگذاری چین) دادند. لی در گزارشی که در این نشست به نمایندگان ارائه می‌کند احتمالاً اهداف رشد سال ۲۰۲۴ را اعلام خواهد کرد. این اهداف اگر با وجود تمام موانع، با سال گذشته یکی باشند، نشانه‌ای است که دولت برای تقویت اقدامات تحریک‌آمیز آماده است تا رسیدن به هدف را تضمین کند.

اما سرمایه‌گذاران همچنان با احتیاط عمل پیش خواهند رفت، نه به این خاطر که پیام دولت غیرقابل اعتماد شده است (مثلاً در سال ۲۰۲۳، انتشار داده‌های مربوط به بیکاری جوانان را متوقف کرد). در نشست دسامبر درباره اقتصاد، به مقامات گفته شد تا «پروپاگاندا اقتصادی را تقویت کنید» و «آواز تمجید چشم‌اندازهای روشن اقتصاد چین را بخوانید». وزارت امنیت چین فراتر رفت. در گزارشی از این نشست که در فضای مجازی

منتشر شد، نشان داد که احساس منفی نسبت به اقتصاد گناه سیاسی بزرگ است. به گفته این گزارش هدف مردمی که دیدگاه‌های تحقیرآمیز را منتشر می‌کنند «حمله و انکار» سوسیالیسم به‌سبک چینی و «تلاش بیهوده‌ای» برای قرار دادن کشور در معرض «محدودیت و سرکوب استراتژیک» است.

در ۲۵ دسامبر، Caixin، مجله‌ای در پکن سرمقاله‌ای در حمایت از اصلاحات منتشر و اشاره کرد که در دوران انقلاب فرهنگی، اقتصاد ملی در آستانه سقوط قرار داشت اما همچنان مقامات اصرار داشتند که شرایط بسیار خوب و بهتر و بهتر می‌شود. این مقاله از سایت Caixin به‌سرعت حذف شد.

در سال ۲۰۲۴، شی حوصله هیچ اختلاف عقیده‌ای را نداشت. چند روز قبل از لغو سیاست «کووید صفر»، رئیس‌جمهور چین شاهد یکی از قدرتمندترین تصاویر از نارضایتی‌ها علیه دولت از زمان ناآرامی‌های سال ۱۹۸۹ در میدان تیان‌آن‌من بود. این اعتراضات با اینکه مختصر و کوچک بودند، اما در چند شهر بزرگ رخ دادند. آنها به‌ظاهر مخالف قرنطینه‌های مربوط به کرونا بودند اما تمایه سیاسی داشتند. مردم برگه‌هایی از کاغذ سفید را بالا گرفتند که نمادی از مخالفت با سانسور بود. چنانچه هم‌تایان‌شان در تیان‌آن‌من انجام دادند، سرود کمونیستی «انترناسیوناله» را خواندند. ترانه‌ای که معترضان چینی نه‌تنها به‌خاطر پیام ایدئولوژیک‌اش بلکه برای زبان شورش برانگیزش آن را دوست داشتند. در شانگهای برخی حتی «حزب کمونیست کناره‌گیری کن» و «شی جین‌پینگ کناره‌گیری کن» را فریاد زدند. در کشوری که به‌شدت با فناوری نظارتی اشباع شده، لحظه فوق‌العاده‌ای از شجاعت بود؛ موضوعی که موجب عذاب شی بوده و می‌ماند.

در سراسر ۲۰۲۳، پلیس شرکت‌کنندگان را دنبال کرد، به خیلی‌ها هشدار داد و برخی را به زندان انداخت. ترس به‌جان



سال سخاوتمندانه

بررسی استراتژی دولت شی جین‌پینگ برای مهار چ